

شیوه مواجهه خانواده‌های مذهبی با موقعیت‌های تعارضی هویتی: مقایسه دو نسل □

The Method of Facing the Religious Families Toward Identical Conflic- tion Statuses: Comparing two Generations □

Javad Hatami, Ph.D. ✉

Mohammad Mehdi Hosseini, M.Sc.

AmirJalal Hatami, M.Sc.

دکتر جواد حاتمی *

سید محمد مهدی حسینی **

امیر جلال حاتمی **

Abstract

The aim of this study is considering the method of facing the religious families toward identical confliction statuses. 30 families (including 30 parents and 30 children) were selected. At the first step, modern, religious and national identity questionnaires were applied. At the second step, participants were asked to grade these three conflicted positions: 1. Levels of tension 2. How much this feeling are logical 3. How much the others are right. The result revealed that there is no difference between young and adult generations in the religious and national identity, but there are significant disagreements in national and modern identity. Also the younger generation had less stress and much more right to others than the old generation.

Keywords: family, identical confliction, identity, generation, religious

چکیده

هدف ازین مطالعه شیوه مواجهه خانواده‌های مذهبی نسبت به موقعیت‌های تعارضی هویتی است. بدین منظور ۳۰ خانواده مذهبی (۳۰ والد و ۳۰ فرزند) انتخاب شدند. در گام اول سه پرسشنامه هویت مذهبی، ملی و مدرن ارایه شد و در گام دوم از آزمودنی‌ها درخواست شد در موقعیت‌های تعارضی ۱. میزان تنش، ۲. منطقی دانستن این احساس و ۳. میزان حقی که به دیگران می‌دهند که رفتار متضادی با عقاید آنها را انتخاب کنند، نمره گذاری کنند. نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین هویت مدرن و ملی در دو نسل مشاهده نشد. تنها در هویت مدرن تفاوت معنادار شده است. دیگر این که میزان تنش نسل جوان کمتر و میزان حقی که به دیگران می‌دادند بیشتر بود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، تعارض‌های هویت،

هویت، نسل، مذهب



● مقدمه

"هویت" از مفاهیم بسیار پیچیده‌ای است که در علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، منطق، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و عرفان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر یک از رشته‌های علمی، با توجه به خواستگاه موضوع، اهداف و زمینه‌های مطالعاتی، سطح تحلیل و ابزار تحقیق و پژوهش، به وجهی از آن توجه بیشتری دارند (صنیع اجلال، ۱۳۸۴). به علت گستردگی مفهوم هویت تعاریف و دسته‌بندی‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است.

روانشناسان اجتماعی در تعریف هویت معمولاً به بازنمایی‌های خودپنداشت اشاره می‌کنند که در تعریف خود استفاده می‌شود. بنابراین، دو هویت را مطرح می‌کنند، "هویت شخصی" که شامل جنبه‌هایی از خودپنداشت می‌شود که ویژگی‌های مخصوص به خود شخص را شامل می‌شود (شوارتز ۲۰۰۱ به نقل از حجازی و همکاران ۱۳۸۸ کراس، ۱۹۸۵؛ مارکوس، ۱۹۷۷) و "هویت اجتماعی" که عبارت است از جنبه‌های خودپنداشت که بر مبنای عضویت در گروه تعریف می‌شود و معرف ماهیت و موقعیت اجتماعی است (اریکسون ۱۹۶۸ به نقل از فولادچنگ، شیخ الاسلامی و صفری ۱۳۸۹، تاجفیل، ۱۹۷۵؛ اندریو، آنتونی، بوردر و لی، ۲۰۱۱). این تعریف از هویت لزوماً تعریف پایداری نیست، ممکن است در تعامل با موقعیت تغییر کند یا برخی ویژگی‌های آن تغییر کند (کان، کاراساوا و کیتایاما، ۲۰۰۹). بنابراین، میزان بستگی ما به هویت مبتنی بر موقعیت است. برخی دیدگاه‌های شناختی، هویت (خویشتن) را مجموعه‌ای از ساختارهای شناختی می‌دانند که در شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط به هم شکل می‌گیرد (گرین والد و پرتکانیس، ۱۹۸۴). این شبکه از مفاهیم می‌تواند تحت تاثیر موقعیت تغییر کند. ارتباط بین این ساختارها و موقعیت در این نظریه‌ها نیمه تراوا توصیف می‌شود (بریکلر و پراتکانیس و مک کن، ۱۹۹۰). در واقع هویت پدیده‌ای تغییر ناپذیر نیست و می‌تواند از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر کند. میزان این تغییرات بستگی به غنا، پیچیدگی و بسط یافتگی خویشتن دارد (لینویل، ۱۹۸۶). بنابراین میزان بستگی ما به هویت مبتنی بر "موقعیت" است. این موقعیت می‌تواند در گروه‌های اجتماعی یا به عبارت کلی‌تر به عنوان "فرهنگ" تعریف شود که اغلب همه وجوه انسان را شکل می‌دهند (بروئر، ۱۹۸۷). بر این اساس، هویت به عنوان مفهومی اجتماعی محسوب می‌شود

(تاجفیل، ۱۹۷۵). در واقع آنچه ما واقعیت روان‌شناختی می‌نامیم اساساً مفهومی اجتماعی دارد و اجتماع یا به تعبیری فرهنگ، در یک نگاه کلی‌تر در هویت ما تاثیرگذار است. "حافظه" یکی از گذرگاه‌هایی است که فرهنگ از طریق آن بر روی هویت تاثیر می‌گذارد (کانوی، ۲۰۰۵). بر اساس برخی از دیدگاه‌های شناختی حافظه نسخه‌ای از واقعیت نیست بلکه به منزله ساختن و بازسازی واقعیت است (لوفتوس، ۱۹۷۷). جامعه و سبک زندگی روی ساخته شدن حافظه تاثیر می‌گذارد (استوتزل، ۱۳۷۴). افراد به صورت حقیقی و فیزیکی رویدادها را درک نمی‌کنند بلکه این گروه‌های اجتماعی هستند که تعیین می‌کنند چه چیزهایی باید در خودپنداشت و حافظه بمانند. بنابراین جامعه و سبک زندگی بر روی حافظه، و از رهگذر حافظه زندگی‌نامه‌ای بر هویت و شخصیت تاثیرگذار است (ویگر و کوهن، ۲۰۰۲).

روانشناسان اجتماعی با در نظر گرفتن فرهنگ بر متغیر بودن خویشتن یا هویت تاکید می‌ورزند. به این معنا در هر فرهنگی سبک زندگی خاصی وجود دارد که بر الگوی سازش یافتگی فرد بر محیط تاثیر می‌گذارد. این مبنا می‌تواند در فرآیندهای تعیین کننده‌ای چون شناخت، هیجان و انگیزش تاثیرگذار باشد، تاثیر فرهنگ بر خود و هویت را می‌توان در مطالعات بین فرهنگی به روشنی مشاهده کرد (بری و مارشال، ۲۰۰۲). فرهنگ نه تنها بر الگوی سازش یافتگی فرد بر محیط تاثیر می‌گذارد بلکه از این طریق بر هویت و در سازماندهی شخصیت نیز ممکن است تغییر ایجاد کند (حاتمی، ۱۳۸۸). بندیکت (۱۹۸۹) معتقد است در گذر از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نه تنها محتوای شخصیت بلکه سازمان یافتگی آن نیز تغییر می‌کند. او در مطالعات خود در مغرب زمین، یکپارچگی و پیوستگی را صفت عمده شخصیت معرفی کرد اما در مطالعه بندیکت شخصیت ژاپنی‌ها به صورت موزاییکی توصیف می‌شود. به عبارت دیگر فرهنگ حاکم بر جامعه می‌تواند شکل‌گیری و سازمان یافتگی هویت موثر باشد. شکل‌گیری هویت‌های جمعی مختلف در جوامع متفاوت موید این امر است.

مسئله هویت و فرهنگ در جامعه "ایران" در چند دهه اخیر به شکل‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از رایج‌ترین الگوی تقسیم بندی هویت جمعی در ایران،

تقسیم‌بندی آن به سه هویت "ملی"، "مذهبی" و "مدرن" است. فضای روان‌شناختی حاکم بر فرد ایرانی شامل گرایش‌های ملی و مذهبی است که در شکل‌گیری هویت ملی و مذهبی تأثیر گذار است. اما با ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن، گرایش‌های غربی یا مدرن نیز به آن اضافه شده است. این گرایش‌های جدید منجر به شکل‌گیری هویت جدیدی به نام "هویت مدرن" شده است. در واقع جامعه ایرانی را در قرن جدید تصویر زنده‌ای از سه هویت متفاوت می‌داند: هویت ملی، هویت مذهبی و هویت مدرن. "هویت ملی"، تعلق افراد به یک سرزمین و تاریخ را بیان می‌کند که ریشه‌های طولانی مدت دارد و با غرور و عظمت و شکوه هخامنشی، اشکانی و ساسانی همراه است، "هویت اسلامی" که با ورود اسلام و گسترش تمدن اسلامی شکل گرفته است و با گرایش به توحید و یکتا پرستی همراه است و "هویت مدرن" که با ورود عناصر زندگی غربی از طریق گسترش وسایل ارتباطی و آسان شدن ارتباطات فرهنگی در دوران مشروطیت به بعد شکل گرفته است و جدیدترین شکل هویت است (شایگان، ۱۳۸۰).

در واقع گسترش رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ماهواره‌ای، موانع ارتباطی جامعه ایرانی با فرهنگ‌های دیگر را برداشته است. جامعه جوان ایران در معرض جهان لایه لایه و ناهمگون جدید قرار گرفته است. این هویت جدید یا ویژگی‌های فردگرایانه و ماتریالیستی (احمدی، ۱۳۸۰) ناهمخوانی‌هایی را با دو هویت سنتی (ملی و مذهبی) دارد. اما از آنجا که ناهمخوانی و ناسازگاری باعث ایجاد نوعی تعارض می‌شود و نظام شناختی انسان نمی‌تواند در حالت تعارضی بماند، نیاز دارد در جهتی حرکت کند تا به حالت تعادل برسد (فستینگر، ۱۹۵۷؛ خنویه و سیتانگیر، ۲۰۰۴). در واقع در همه تحقیقات این فرض پذیرفته شده است که ساختار شخصیت واجد یک نوع تعادل و سازمان‌یافتگی است (آرونسون، ۲۰۱۰). این سازمان یافتگی و به تعادل رسیدن را هایدر (۱۹۴۶) در نظریه تعادل اجتماعی مطرح می‌کند که می‌تواند در موقعیت‌های مختلف و با الگوهای سازمان‌یافتگی متفاوتی همراه باشد. سازگاری بین دنیای جدید و زندگی سنتی مستلزم تغییری در سازمان یافتگی شخصیت نسل جدید ایران است.

دو فرض اصلی نسبت به سازمان یافتگی شخصیت در جامعه ایران وجود دارد. ۱. سازمان یافتگی یا ساختار سلسله مراتبی و متحدالمرکز که در این ساختار همزیستی همزمان بین هویت‌های ناهمخوان وجود ندارد. در این سازمان یافتگی شخصیت هر فرد بر اساس ویژگی مهم و کلی‌اش تعیین می‌شود و سایر ویژگی‌های او تابع ویژگی اصلی است (حاتمی، ۱۳۸۸). ۲. ساختار و سازمان یافتگی موزاییکی (بندیکت، ۱۹۸۹). در شخصیت موزاییکی نمی‌توان دآوری کلی در مورد یک شخص انجام داد. رفتار او از یک نظام منسجم که یک روح کلی بر آن حاکم است تبعیت نمی‌کند. مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که سازمان یافتگی شخصیت نسل بزرگسال جامعه ایران بیشتر شبیه به ساختار سلسله مراتبی است و ویژگی مذهبی بودن محور اصلی این ساختار متحدالمرکز را تشکیل می‌دهد اما در مقابل، نسل جوان به سمت موزاییکی شدن در حال حرکت است به صورتی که هویت‌ها مستقل از یکدیگر رشد می‌کنند. تجلی این موزاییکی شدن را می‌توان در افزایش هویت مدرن و کاهش نیافتن هویت ملی و دینی و همچنین در تغییر نگرش مذهبی این نسل مشاهده کرد به صورتی که کمتر به اجبارهای اجتماعی توجه دارند و دین را به عنوان عقیده شخصی حاکم بر زندگی فردی می‌پذیرند. منطق این نگاه به دین و خوانش جدید با منطق هویت موزاییکی همخوان است که با نگرش نسل بزرگسال متفاوت است.

علی رغم اهمیت مسئله هویت و چالش‌های آن، به خصوص در جوامع سنتی که در حال تجربه کردن دنیای مدرن می‌باشند، مطالعات اندکی در این زمینه صورت گرفته است. ضرورت پرداختن به این موضوع زمانی نمایان‌تر می‌شود که تضادهای اساسی بین گرایش‌های دینی و ملی و دنیای مدرن باعث تغییراتی در نظام هویتی نسل‌های ایران شده است. این تغییرات باعث شکل‌گیری خوانش‌های جدیدی از دین و هویت دینی شده است. بنابراین، هدف از این مطالعه، مقایسه دو نسل از خانواده‌های مذهبی (فرزند و والدین) است تا مشخص شود که آیا این خوانش جدید از دین و هویت دینی در نسل جوان این قشر نیز شکل گرفته است و آیا در خانواده‌های مذهبی نیز این الگو (متحدالمرکز و موزاییکی) از سازمان یافتگی مشاهده می‌شود؟ به منظور بررسی این مسئله موقعیت‌های فرضی ارائه شد که این موقعیت‌ها در بر دارنده تعارضاتی بین هویت مذهبی، ملی و مدرن است. از شرکت‌کنندگان در خواست شد که اگر در چنین موقعیتی قرار بگیرند ۱. میزان تنشی که

احساس می‌کنند، ۲. مقداری که این احساس خود را منطقی می‌دانند و ۳. میزانی که به افراد حق می‌دهند تا انتخاب دیگری را داشته باشند را بیان کنند.

● روش

"جامعه" مورد مطالعه در این پژوهش شامل خانواده‌های دانشجویان مذهبی ساکن تهران هستند. حجم نمونه شامل ۳۰ خانواده که تعداد ۳۰ نفر فرزندان با میانگین ۲۳.۳ و ۳۰ نفر والدین با میانگین ۵۲.۴ بوده‌اند. دانشجویان از رشته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد انتخاب شده بودند که شامل ۱۸ دانشجوی دختر و ۱۲ دانشجوی پسر بودند. گروه نمونه دو نسل از طریق والد همجنس هم‌تا شده بودند، به صورتی که دختر با مادر و پسر با پدر هم‌تا شدند. نحوه انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس بوده است. که با مراجعه به والدین این دانشجویان و اطمینان حاصل کردن از طریق مشاهده و پرسش‌های شفاهی از اینکه خانواده مذهبی هستند و این که آیا حاضر به همکاری هستند، تعداد ۳۰ خانواده انتخاب شدند. در این مطالعه ابتدا سه پرسشنامه هویت دینی، ملی و مدرن اجرا و سپس موقعیت‌های تعارضی طراحی شده به شرکت کنندگان ارائه شد. از آنان خواسته شد میزان تنش، میزان منطقی بودن این احساس و میزانی را که به دیگران حق می‌دهند تا انتخاب دیگری داشته باشند را، از طریق مقیاس لیکرت ابراز کنند. نحوه ارائه پرسشنامه‌ها بین شرکت کنندگان به صورت تصادفی بوده است.

○ ابزار

□ الف: پرسشنامه هویت مذهبی: این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال برای سنجش هویت مذهبی است. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سوال ۲ گزینه با عناوین «بلی» و «خیر» قرار دارد که با شماره ۰ و ۱ نمره‌گذاری می‌شود. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. این مقیاس شامل دو مولفه هویت مذهبی و نفی هویت مذهبی می‌شود. نمره پذیرش هویت مذهبی بدین صورت است که پاسخ بلی به هر یک از سوال‌های فرد ۱ نمره دارد. جمع پاسخ‌های بلی به سوال‌های فرد نمره پذیرش هویت ملی را تشکیل می‌دهد و پاسخ بلی به هر یک از سوال‌های زوج نیز ۱ نمره دارد که جمع پاسخ‌های بلی به سوال‌های زوج نمره نفی هویت ملی را تشکیل می‌دهد. جمع جبری دو مولفه نمره واحدی را از گرایش به هویت ملی به همراه دارد. مقیاس اخیر پس از

مطالعه تحلیل عاملی از جهت روایی سازه مورد تایید قرار گرفته است. یافته‌های مربوط به اعتبار این مقیاس در پژوهش رحیمی نژاد و احمدی (۱۳۷۴) نیز تایید شده است. ضریب آلفای کرانباخ، مقیاس هویت مذهبی ۰/۹۹ بدست آمده است.

□ **ب: پرسشنامه هویت مدرن:** (حاتمی، ۱۳۹۰) شامل سی و یک سوال است که دارای پنج خرده مقیاس می‌باشد این پنج مقیاس شامل خرد باوری و نفی نیروهای متافیزیک، با آلفای ۰/۸۶، گرایش به لیبرالیسم و دموکراسی با آلفای ۰/۸۴، ابزارهای ارتباطی با آلفای ۰/۸۳، تجربه زندگی شهری با آلفای ۰/۸۱ و جهانی شدن با آلفای ۰/۸۵ می‌باشد. نحوه نمره گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سوال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. نمره گذاری سوالات ۱، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۱، به صورت ۵ برای «کاملاً موافق» ۴ «موافق» ۳ «ممتنع» ۲ «مخالفم» و ۱ «کاملاً مخالف» است و برای سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، به صورت ۱ «کاملاً موافق» ۲ «موافق» ۳ «ممتنع» ۴ «مخالف» ۵ «کاملاً مخالف» است. جمع امتیازات نمره گرایش به هویت مدرن را نشان می‌دهد. روایی و اعتبار این مقیاس پس از اجرا روی ۷۵۳ شرکت کننده بررسی و تعیین شده است. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه مقیاس، روش شناخته شده محاسبه اعتبار (از نوع آلفای کرانباخ) ۰/۸۴ تعیین شده است. آزمون KMO انجام شد که ضریب بدست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت بخش بود (KMO: ۰/۷۳۶). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود.

□ **ج: پرسشنامه هویت ملی:** این پرسشنامه شامل ۱۴ سوال برای سنجش هویت ملی است. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سوال ۲ گزینه با عناوین «بلی» و «خیر» قرار دارد که با شماره صفر و یک نمره گذاری می‌شود. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. این مقیاس شامل دو مولفه هویت ملی و نفی هویت ملی می‌شود. نمره پذیرش هویت ملی بدین صورت است که پاسخ بلی به هر یک از سوال های فرد ۱ نمره دارد. جمع پاسخ های بلی به سوال های فرد نمره هویت ملی را تشکیل می‌دهد و پاسخ بلی به هر یک از سوال های زوج نیز ۱ نمره دارد. جمع پاسخ های بلی

به سوال های زوج نمره نمره نفی هویت ملی را تشکیل می دهد. جمع جبری دو مولفه نمره واحدی را از گرایش به هویت ملی به همراه دارد. مقیاس ۱۴ سوالی اخیر از مطالعه تحلیل عاملی از جهت روایی سازه مورد تایید قرار گرفته است. البته ضریب آلفای کرانباخ هویت ملی در پژوهش رحیمی نژاد (۱۳۷۴) ۰/۹۵ بدست آمده است

□ د: **موقعیت های تعارضی:** در این بخش موقعیت های خلق شد که تعریف کننده وضعیتی است که در آن رفتارهای تعارضی اتفاق می افتد به صورتی که فرد هویت دینی خود را در مقایسه با هویت ملی و مدرن در میابد. در این بخش ابتدا موقعیت تعارضی ارائه می شود، سپس از شرکت کننده ها درخواست شد که پاسخ دهد که اگر در این موقعیت قرار بگیرند، چه مقدار احساس تنش می کنند، چه مقدار خود را به خاطر این احساس منطقی می دانند و به چه میزان به دیگران حق می دهد تا رفتاری متضاد با عقاید آن ها داشته باشند. پاسخ ها از طریق مقیاس لیکرت اندازه گیری شد. نحوه نمره گذاری بدین صورت است که پاسخ های خود را از نمره ۱ تا ۷ نشان می دهند. این موقعیت ها بر اساس مطالعات قبلی و با در نظر گرفتن ملاک های نسل جوان و بزرگسال طراحی شد. بدین صورت که ابتدا ۲۰ موقعیت تعارضی طراحی شد. سپس برای تایید محتوای تعارضات و قابل فهم بودن سوالات، در اختیار سه متخصص قرار گرفت که پس از اصلاحات در نهایت ۱۰ تعارض باقی ماند. اعتبار محتوای تعارضات از طریق تایید متخصصین بدست آمد. روایی و اعتبار این مقیاس پس از اجرا روی روی ۱۵۰ دانشجو و ۹۵ بزرگسالان شرکت کننده بررسی و تعیین شد. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه مقیاس، روش شناخته شده محاسبه اعتبار (از نوع آلفای کرانباخ) ۸۷ درصد تعیین شده است. آزمون KMO انجام شد که ضریب بدست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت بخش بود (۰/۷۹۲: KMO). در زیر نمونه ای از این موقعیت تعارضی ارائه می شود:

با دوستان خود مشغول دیدن یک فیلم بسیار معروف و تاثیر گذار از یک کارگردان جهانی شده اید که معروف به داشتن دیدگاهی معنوی است. در بخشی از فیلم چند صحنه غیر شرعی می بینید. متوجه می شود که دوستانتان بدون اهمیت دادن به مسایل شرعی به دیدن فیلم ادامه می دهند....

۱. به چه میزان احساس تنش می‌کنید؟ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
۲. به چه میزان این احساس خود را منطقی می‌دانید؟ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
۳. به چه میزان در مورد این رفتار به دیگران حق می‌دهید؟ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

• نتایج

میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کننده‌ها در هویت‌های سه گانه در دو گروه سنی جوان و بزرگسال بدست آمده در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نگرش به هویت‌های ملی، مذهبی و مدرن در نسل جوان و بزرگسال

مقیاس‌ها	بزرگسال		جوان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هویت مذهبی	۱۵۱/۲۷	۹	۱۴۹/۲۷	۷/۳۶
هویت ملی	۵۸/۶۷	۶/۳۸	۵۶/۹۰	۶/۹۴
هویت مدرن	۸۵/۸۳	۸/۹۵	۹۱/۱۷	۹/۱۶

نتایج بدست آمده از آزمون t همبسته در جدول ۲ ارایه شده است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت هویت ملی در دو نسل معنادار نیست. در هویت دینی نتایج آزمون عدم معناداری را نشان می‌دهد که بیانگر عدم تفاوت در گرایش به هویت دینی در دو نسل است. به عبارت دیگر، هر دو نسل از جامعه ایرانی تفاوتی در هویت دینی و ملی ندارند. در مورد هویت مدرن، مقایسه دو نسل تفاوت معناداری را گزارش می‌دهد، بدین صورت که نسل جوان نمره بالاتری در هویت مدرن به خود اختصاص داده است.

جدول ۲: آزمون t همبسته برای مقایسه میانگین‌های دو نسل (جوان و بزرگسال) نسبت به هویت‌های ملی،

مذهبی و مدرن

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
هویت مذهبی	۲	۱.۲۶	۲۹	۰.۲۱۴
هویت ملی	۱.۷۶	۱.۰۶	۲۹	۰.۲۹
هویت مدرن	۵.۳۳	-۳.۰۲	۲۹	۰.۰۰۵

میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کننده‌ها در موقعیت‌های تعارضی در دو گروه سنی جوان و بزرگسال بدست آمده در جدول ۳ ارایه شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار پاسخ های شرکت کنندگان در موقعیت های تعارضی در نسل جوان و بزرگسال

جوان		بزرگسال		مقیاس ها
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۵/۸۷	۰/۷۳	۶/۳۷	۰/۴۶	تنش
۶/۰۸	۰/۷۹	۶/۳۶	۰/۸۶	منطقی بودن
۲/۲۱	۰/۶۸	۱/۷۸	۰/۵۸	حق دادن

نتایج بدست آمده از آزمون t همبسته در جدول ۴ ارایه شده است. نتایج نشان می دهد که تفاوت میزان تنش در موقعیت های تعارضی در دو نسل معنادار است به صورتی که نسل جوان تنش کمتری را نسبت به نسل بزرگسال احساس می کند. در میزان منطقی دانستن خود، نتایج آزمون عدم معناداری را نشان می دهد که بیانگر عدم تفاوت در منطقی بودن در دو نسل است. به عبارت دیگر، هر دو نسل افکار خود به عنوان افکار دینی منطقی به یک میزان منطقی می دانستند. در مورد به دیگران حق دادن، مقایسه دو نسل تفاوت معناداری را گزارش می دهد، بدین صورت که نسل جوان نمره بالاتری را به خود اختصاص داده است به زبان صحیح تر نسل جوان بیشتر به دیگران در انتخاب رفتار مخالف عقاید خود، حق می داد.

جدول ۴: آزمون t همبسته برای مقایسه میانگین های دو نسل (جوان و بزرگسال) نسبت به موقعیت های تعارضی

متغیر	تفاوت میانگین ها	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
تنش	۰.۶۸۰	۴.۰۲	۲۹	۰.۰۰۱
منطقی بودن	۰.۱۸۸	۱.۴۶	۲۹	۰.۱۵۴
حق دادن	-۰.۴۳۶	-۲.۹۸	۲۹	۰.۰۰۶

● بحث و نتیجه گیری

○ سه سوال اصلی در این مطالعه مطرح است. اول این که "آیا نسل جوان خانواده های مذهبی نیز مانند سایر گروه های جامعه به هویت مدرن نزدیک شده و این هویت جدید را پذیرفته است؟" دوم اینکه "آیا پذیرفتن هویت مدرن در این نسل تغییری در خوانش و نگرش افراد نسبت به هویت دینی داشته؟" و سوم اینکه "با وجود ناهمخوانی های اساسی بین هویت دینی و ملی با هویت مدرن، نسل جوان و بزرگسال چگونه بین آنها تعادل برقرار کرده است؟"

○ به منظور بررسی سوال اول، نتایج نشان می‌دهد که بین نسل جوان و بزرگسال تفاوت معناداری بین هویت دینی و هویت ملی وجود ندارد به این معنا که گرایش به هر دو هویت در دو نسل همسان است. اما هنگام مقایسه "هویت مدرن" نتایج نشان می‌دهد که بین دو نسل تفاوت وجود دارد به صورتی که نسل جوان نمره بالاتری را نسبت به هویت مدرن به خود اختصاص داده است. این نتیجه موید سؤال اول این تحقیق است که نسل جدید به سمت هویت مدرن گرایش پیدا کرده است که همسو با مطالعه قبلی است در واقع نتایج نشان می‌دهد که در فضای ذهن نسل جوان ایران، مدرنیته و هویت مدرن دیگر مهمان ناخوانده نیست (برخلاف نسل بزرگسال که عناصر دنیای مدرن را در قالب عنصر بیگانه تبیین می‌کند) بلکه خود میزبانی است و در کنار هویت‌های ملی و مذهبی سهمی در آگاهی و بالطبع در ساختار هویتی این نسل دارد و به عنوان عنصری ثابت در فضای روان-شناختی انسان معاصر نقش ایفا می‌کند.

○ اما سوال دوم پژوهش در دل پاسخ به سوال اول بوجود می‌آید، اینکه پذیرفتن هویت مدرن در نسل جوان قشر مذهبی، چه تاثیری بر روی نگرش مذهبی گذاشته است و در موقعیت‌های تعارضی چگونه رفتار می‌کند؟ به منظور پاسخ به این سوال به پاسخ‌های دو نسل در موقعیت‌های تعارضی رجوع می‌کنیم. نتایج نشان می‌دهد در موقعیت‌های تعارضی هنگامی که فرد با رفتاری در تضاد با هویت دینی خود مواجه می‌شود، نسل جوان نسبت به نسل بزرگسال احساس تنش کمتری می‌کند، همچنین برای فرد مقابل بیشتر این حق را قائل است که در انتخاب رفتار خود مختار باشد در حالی که نسل بزرگسال کمتر حق می‌دهد و دیگران را محق به انجام رفتار نمی‌داند. این تفاوت‌های معنادار در صورتی اتفاق می‌افتد که هر دو نسل به یک میزان خود را در اعتقاد به رفتار دینی منطقی می‌دانند و آن را انتخاب بهتری فرض می‌کنند. به عبارت دیگر نسل جوان و بزرگسال هر دو احساس خود را منطقی می‌دانند با این تفاوت که نسل جوان احساس تنش کمتری دارد و به دیگران بیشتر حق انتخاب می‌دهد که رفتارهایی مخالف عقاید او را انتخاب کنند.

○ اما سوال سوم که مهمترین مبحث این پژوهش است، اینکه "با وجود ناهمخوانی‌هایی که بین هویت مدرن و هویت‌های سنتی (ملی و مذهبی) وجود دارد، نسل‌های مختلف خانواده‌های مذهبی چگونه بین این سه هویت تعادل ایجاد کرده‌اند؟" آیا این تعادل منجر

به تغییر در سازمان‌یافتگی در شخصیت شده است؟ به طور کلی این فرض پذیرفته شده است که محیط انسان در حال تغییر است و عملکرد نظام شناختی انسان بر اساس موقعیت-هایی که قرار دارد به سمت تعادل حرکت می‌کند. در واقع این نظام بهترین عملکرد را در تعادل می‌یابد. این ادعا توسط روانشناسان اجتماعی مطرح شده است (هایدر ۱۹۴۶، گرین والد و پرتکانیس، ۱۹۸۴). روانشناسان اجتماعی معتقدند که در موقعیت‌های تعارضی اجتماعی، نظام شناختی انسان، سازمان‌یافتگی را که بیشترین تعادل را به همراه دارد، انتخاب می‌کند. نتایج این مطالعه همسو با مطالعات (حاتمی، ۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که بزرگسالان هنگام مواجهه با هویت مدرن که تعارض‌هایی با هویت‌های سنتی دارد، رویکرد نفی غیر را در پیش می‌گیرد (شایگان، ۱۳۸۵). بدین صورت که هویت مدرن را جزو ساختار اساسی شخصیت خود محسوب نمی‌کند، همواره مدرنیته را به عنوان یک خطر برای اصالت فرهنگی می‌پندارند. تجلی این دیدگاه در سازمان‌یافتگی متحدالمرکز شخصیت مشاهده می‌شود. در این سازمان‌یافتگی هم‌زیستی همزمان بین هویت‌های ناهمخوان (سنتی و مدرن) وجود ندارد و گرایش بیشتر به یک بخش هویتی باعث کاهش در گرایش به هویت دیگر می‌شود. در این سازمان‌یافتگی شخصیت هر فرد بر اساس ویژگی مهم و کلی‌اش تعیین می‌شود و سایر ویژگی‌های او تابع ویژگی اصلی است. در این نوع سازمان‌یافتگی فرد نمی‌تواند در یک زمان هم مذهبی باشد و هم به موسیقی غربی علاقه‌مند. به دلیل این سازمان‌یافتگی، والدین مذهبی در موقعیت‌های تعارضی احساس تنش بیشتری می‌کنند و به دیگران کمتر حق می‌دهند که رفتاری متفاوت از عقایدشان داشته باشند. زیرا این تعارضات را خطری برای هویت‌های سنتی خود محسوب می‌کنند.

○ اما مقایسه دو گروه مذهبی نشان می‌دهد، نسل جدید بیشتر در معرض تعارض‌های هویتی قرار دارند. بنابراین نسل جوان به خاطر مواجهه بیشتر با دنیای پیرامونی مدرن، باید راهکارهای جدیدی برای حفظ هویت دینی خود بیابد (هادوی، ۱۳۷۸).

نتایج نشان می‌دهد نسل جوان تلاش می‌کند برای حفظ هویت دینی خود در موقعیت‌های تعارضی به الگوی کمتر ایدئولوژیک دین توجه کند و دین را بیشتر به عنوان یک عقیده فردی بشناسد. به همین علت بیشتر می‌تواند حقوق دیگران را در رفتارهای متضاد در نظر بگیرد. در واقع نسل جدید با سازمان‌یافتگی موزاییکی شخصیت، توانسته است

بهترین شکل تعادل را برای خود بوجود بیاورد. در این نوع سازمان یافتگی هویت‌ها از هم مستقل هستند و در خانه‌های مستقل از یکدیگر رشد می‌کنند. بنابراین، بدست آوردن نمره بالا در یک هویت باعث کاهش در هویت دیگر نمی‌شود. کاهش نیافتن هویت دینی و ملی در نسل جوان و همچنین رشد هویت مدرن با وجود ناهمخوانی‌هایی که با دو هویت سنتی (مذهبی و مدرن) دارد، گواه این ادعا است. بنابراین نسل جدید توانسته است بین هویت‌های خود نوعی همزیستی ایجاد کند. به طوری که این سازگاری آسیب جدی به هویت‌های ملی و دینی وارد نکرده است. جوان عصر جدید ایران در آیین‌های مذهبی شرکت می‌کند. به هویت ملی و مفاخر ادبی، نظامی و هنری سرزمین خود افتخار می‌کند. اما به آثار هنری و سبک زندگی مدرن غیر ایرانی نیز علاقمند است. در زندگی شخصی جوان ایرانی هم نماد مذهبی، هم مدرن و هم ملی دیده می‌شود. این پیامد آرامش بخشی است برای خانواده‌های ایرانی که همواره دغدغه از بین رفتن ارزش‌های حاکم بر خانواده و جامعه را داشته‌اند. نتایج این مطالعه می‌تواند امید بخش باشد به این علت که نسل جدید همانند نسل بزرگسال پایبند به ارزش‌های خانواده و هویت‌های سنتی خود است هرچند شاید ظاهری همچون والدین خود نداشته باشد. در واقع نسل جدید رویکرد جدیدی برای مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه اتخاذ کرده است، رویکردی که بیشتر متکی بر ابراز وجود است تا نفی خویشتن.



یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------|-----------------------------|
| 1 . personal identity | 2 . social identity |
| 3 . Stotzel, J. | 4 . autobiographical memory |

منابع

- استوتزل، ژان. (۱۳۷۱). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه علیمحمد کاردان. انتشارات دانشگاه تهران.
- احمدی بابک. (۱۳۸۰). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*. تهران: انتشارات مرکز - ترنر، برایان، کرباسچی، مجتبی، پورنگ، حمید و حاجی حیدری، حامد. (۱۳۸۵). *فضیلت جهان وطنی: دین در عصر جهانی*. مجله راهبرد یاس، ۸، ۲۰۵-۲۴۰.
- حاتمی، جواد. (۱۳۸۸). *خویشتن*. تهران: نشر تبلور.

- حاتمی، امیر جلال. (۱۳۹۰). سازمان‌یافتگی شخصیت از منظر هویت‌های ملی، مذهبی و مدرن در دو نسل. پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی،
- حجازی، الهه، برجعلی‌لو، سمیه، نقش‌زهر (۱۳۸۸) رابطه سبک های هویت، تعهد هویت و خودکارآمدی تحصیلی. *مجله روانشناسی*، سال ۱۳ (۳) ۳۷۷-۳۹۰
- رحیمی نژاد، عباس و احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۴). مطالعه تحلیلی و علی هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان. *معاونت پژوهشی نظام دانش آموزی*، ۱۴، ۶۴-۸۲
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). *افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران، نشر پژوهش فرزنان روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۵). *بت‌های ذهنی و خاطره‌ی ازلی*. تهران: امیر کبیر.
- صنیع اجلال، مریم. (۱۳۸۴). *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*. تهران: انتشارات موسسه مطالعات ملی.
- فولادچنگ، محبوبه، شیخ الاسلامی، راضیه، ترکان، هاجر (۱۳۸۹) پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزند پروری. *مجله روانشناسی*، ۱۴ (۳) ۱۷-۱
- هادوی، حسین. (۱۳۷۸). *مساله هویت و گوناگونی فرهنگ در عصر مدرن*. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۴ (۶) ۱۳۳-۱۴۸.
- Andrew, G, L, Antony, S, R, Bruder, M, & Lee, S. (2011). We feel, therefore we are: Emotion as a basis for self-categorization and social action. *Journal of American Psychological Association*. 4, 754-767.
- Aronson, E. (2010). *Not by chance alone: My life as a social psychologist*. New York: Basic Books
- Benedict, R. (1989). *The chrysanthemum and sword: Patterns of Japanese culture*. Massachusetts: Houghton Muffin.
- Berry, J, W. & Marshall, S., H. (2002). *Cross-cultural psychology*. Cambridge University Press.
- Breckler, S. J., Pratkanis, A. R., & McCann, C, D. (1990). The representation of the self in multidimensional cognitive space. *British Journal of Social Psychology*, 37, 129-49.
- Brewer, W. F. (1987). Schemas versus mental models in human memory. In P. Morris, (Ed.,) *Modeling cognition*. Chicester, UK: Wiley, pp. 187-197.
- Conway, M, A. (2005). Memory and the self. *Journal of Memory and Language*. 53, 594-628.
- Cross, W. E. (1985). Black identity: Rediscovering the distinction between personal identity and the reference group orientation. In M. B. Spencer, G. K. Brooklns, & W. R. Allen (Eds), *Beginning: The social and affective development if black children*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Festinger, L. (1975). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Standard University Press.

- Greenwald, A. G., & Pratkanis, A. R. (1984). The Self. In R. S. Weyer & T. K. Srull (Eds.), *The handbook of social cognition* (Vol.3). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Heider, F. (1946). Attitudes and cognitive organization. *Journal of Psychology* 21: 107-11.
- Kan, C. Karasava, M. & Kitayam, S. (2009). Minimalist in style: self, identity, and well-being in Japan. *Journal of Self and Identity*, 8, 300-317.
- Khanafiah, D., & Situngkir, H. (2004). Social balance theory: Revisiting Heider's balance theory for many agents. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 1464-1480.
- Linville, P. V. (1986). Self-complexity and affective extremity: Don't forget pull all of your eggs in one cognitive basket. *Journal of Social Cognition*, 3, 94-120.
- Loftus, E. F.(1977). *Eyewitness testimony*. Cambridge,MA: Harvard University Press.
- Markus, H. (1977). Self-schemas and processing information about the self. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35, 63-78.
- Tajfel, H. (1975). Social psychology of intergroup relations. *Annual Review of Psychology*, 33, 1-59
- Wagar, B. M.& Cohen, D. (2003). Culture, memory, and the self: An analysis of the personal and collective self in long-term memory. *Journal of Experimental Social Psychology*, 39, 468-475.

